

بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران حج - 15 / آبان / 1387

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

از خداوند متعال صمیمانه مسئلت می‌کنیم که همت و تلاش شما را مشمول برکات خود قرار دهد و این تلاش که ان شاءالله با نیت خالص و قربه الی الله انجام می‌گیرد، به همان نتایجی منتهی بشود که در دل شما و آرزوی شما وجود دارد؛ یعنی تحقق یک حج اسلامی حقیقی مرضی روح مطهر حضرت خاتم الانبیاء (صلی الله علیه و اله و سلم).

فریضه ی حج یک فرصت است که خدای متعال در اختیار ما قرار داده است. هم یک فرصت برای شخص مسلمان است، هم یک فرصت برای امت بزرگ اسلامی است، هم امروز یک فرصت برای نظام جمهوری اسلامی است که پرچم حاکمیت اسلام و شریعت اسلامی را برافراشته است. باید همه از این فرصت استفاده کنیم.

برای فرد انسان، فرصت حج، فرصت ورود یک انسان در فضای بیکرانه ی معنویت است؛ از لابه لای زندگی معمولی خودمان با همه ی آلودگی هایش، با همه ی اشکالاتش، خودمان را بیرون می‌کشیم و به فضای صفا و معنویت و تقرب الی الله و ریاضت اختیاری می‌رویم. از اولی که وارد این مراسم می‌شوید، چیزهائی را که در زندگی متعارف معمولی مباح است، بر خودتان حرام می‌کنید؛ احرام. احرام، حرام کردن چیزهائی است بر خود که در زندگی متعارف معمولی رائج و مباح است، جائز است؛ و بسیاری از آن‌ها هم مایه ی غفلت است، بعضی هم مایه ی انحطاط است.

همه ی وسائل تفاخر ظاهری و مادی از ما گرفته می‌شود؛ اولش لباس. درجه و مقام و رتبه و لباس و لباس فاخر و همه ی این‌ها کنار می‌رود و همه در یک لباس قرار می‌گیرند. به آینه نگاه نکنید که یک جلوه ای از خودخواهی و خودشیفتگی است. بوی خوش استعمال نکنید که وسیله ای برای جلوه گری است. از زیر آفتاب یا زیر باران نگرینید، زیر سقف نروید - در حال حرکت - که مظهر راحت طلبی و آسایش طلبی است. اگر از جائی عبور می‌کنید که بوی متعفن دارد، بینی تان را نگیرید؛ و همین طور بقیه ی کارهای احرام؛ حرام کردن بر خود چیزهائی را که مایه ی راحت و مایه ی شهوت نفس، شهوات جنسی محرم، در این مدت است؛ چه مایه ی تفاخر است، چه مایه ی تبعیض است. این‌ها همه برداشته می‌شود.

بعد وارد فضای بیت الله و مسجدالحرام شدن و آن شکوه و عظمتی را که در عین سادگی و بی‌پیرایگی وجود دارد، با چشم، با دست، با همه ی وجود لمس کردن. عظمت، شکوه، منتها نه از نوع شکوه مادی و زر و زیورهای مادی؛ از نوع دیگری که برای انسان‌های معمولی قابل توصیف هم حتی نیست. بعد وارد شدن در این سیل خروشان دوار، بر گرد یک مرکز حرکت کردن، آن هم با ذکر، با دعا، با گریه، با خشوع، با تکلم با خدای متعال. بعد سعی صفا و مروه همین جور است، وقوف عرفات و مشعر همین جور است، فرائض روزهای منا همین جور است. این حج است.

دوستان اشاره کردند به اینکه من برای آسایش حجاج سفارش کرده ام. بله، معلوم است؛ اما این آسایش به معنای تن پروری نیست. این را هم من همیشه به دوستان برگزارکننده ی حج در طول سال‌ها گفته ام که این آسایش، فراغت است برای همین دل‌باختگی و دل‌سپردگی و انقطاع الی الله. کاری کنید که مردم فراغت پیدا کنند، دغدغه ای نداشته باشند، بتوانند این فریضه را به بهترین وجهی انجام بدهند؛ مراد این است. والا آسایش حیوانی و خور و خواب و بیشتر خوردن و بهتر خوردن، نه؛ این‌ها سلیقه ی بنده نیست، که ما در حج دنبال این چیزها برویم.

حج يك سفر تفریحی نیست، حج يك سفر معنوی است. سفر الی الله است با جسم و جان؛ هر دو. سفر الی الله برای اهل سلوك سفر جسمانی نیست، سفر قلبی و روحی است. اینجا برای همه ی ما مردم این سفر الی الله با جسم و جان هر دو هست. حالا جسم را آن جا ببریم، دل را ببریم؛ این که نشد. یا خدای نکرده کسانی بر اثر تکرار این نعمت - که مکرر توفیق پیدا کردند حج مشرف بشوند، خانه ی خدا را ببینند، زیارت کنند - بندریج حج برای این ها حالت بی تفاوتی و کم اهمیتی پیدا کند و دیگر آن انقلاب درون را نتوانند به خودشان تلقین کنند و در خودشان بیابند. این، چیز خوبی نیست.

رحمت خدا بر مرحوم شیخ محمد بهاری - در همین ایام ظاهراً بناست سالگرد تعظیمی، گردهمائی تجلیلی از ایشان تشکیل شود - که در یکی از نوشته هایشان می گویند که دعا و ذکر و شاید نماز، وقتی بی توجه تکرار می شود، قساوت می آورد! نماز می خوانیم، نماز مایه ی قساوت. چرا؟ چون در حال نماز حضور قلب نداریم، توجه نداریم. پس این نماز یا با توجه است، که مایه ی رقت و قرب و لطافت و صفاست؛ یا نماز بی توجه است، که آن وقت به گفته ی ایشان مایه ی قساوت قلب است.

حج هم همین جور است. این اعمال را با توجه، با حضور باید انجام داد. «ایّاما معدودات»، (1) «معلومات» (2) - مجموع ایام حج و عمره - چند روز بیشتر که نیست. این فرصت چند روزه ی حج، يك تمرین و آموزش تجربی است؛ یعنی انسان می بیند که این جوری هم می شود زندگی کرد. بی تفاخر و بی اعتنای به لذائذ مادی هم می شود زندگی کرد. نه اینکه حالا بیائیم همه ی زندگی را در حال احرام زندگی کنیم؛ این مراد نیست؛ نه، از طبیعت رزق که خدای متعال برای شما حلال کرده، باید استفاده کنید؛ اما دل بستن، بی تاب شدن، زندگی را همین دانستن - که ما دچارش هستیم که زندگی را همین لذائذ و شهوات مادی و همین هوس های بی مورد و بی جا گمان می بریم - باید در هم بشکند تا بفهمیم نه، میشود فصلی از زندگی، بخشی از شبانه روز، ساعاتی از نیمه ی شب را اختصاص داد به همین حالت انقطاع الی الله و به این حالت صفا. این را آن جا تمرین می کنید، یاد می گیرید؛ حاجی یاد می گیرد که این کار را می شود انجام داد. ببینید، چه فرصت عظیمی است.

شما دست اندرکاران حج باید کاری کنید که این خیل عظیم مردمی که با شما حج می آیند، یا آنجا هستند - از کشورهای دیگر می آیند - به این نکته ی حج واقف شوند، این فرصت را بشناسند و تحریض شوند بر اینکه این فرصت را به چنگ بیاورند. یکی از مهمترین کارهای دست اندرکار حج - چه رئیس کاروان، چه روحانی حج، چه مدیریت های بخشهای گوناگون؛ فرهنگی، غیر فرهنگی - این است. این احساس که يك فرصت است، در اختیار قرار داده شده، و همیشه هم به دست نمی آید، برای همه هم به دست نمی آید. چقدر افرادی هستند که آرزوی يك روز از آن روزهای شما را در آنجا دارند؛ اما امکان برایشان پیدا نمی شود. در دنیا افرادی که مشتاق حج باشند، فراوانند. حالا که برای شما فراهم شده، این فرصت را مغتنم بشمارید. این فرصت فرد است و بر اساس او، وظیفه ی مسئول حج و کارگزار حج مشخص می شود. این، فرصت اول.

فرصت دوم، فرصت برای امت اسلامی است؛ برای اینکه امت اسلامی با تكثر قومیت ها و نژادها، مناطق عالم و فرهنگ ها و عادت ها و سلیقه ها، به طور طبیعی در معرض شکاف ها و جدائی هائی هست. چون خداوند متعال اسلام را برای يك نژاد خاص، برای يك فرهنگ خاص، برای يك منطقه ی خاص از دنیا که نیاورد، برای همه ی بشریت آورد. همه ی بشریت از لحاظ رنگ، از لحاظ زبان، از لحاظ عادات، از لحاظ سلائیق، از لحاظ محیط های تاریخی و جغرافیائی با هم متفاوتند. پس زمینه ی اختلاف در امت اسلامی وجود دارد. این اختلاف بایستی بروز نکند، بایستی تحقق و فعلیت پیدا نکند. حج آن فرصت بزرگی است برای امت اسلامی که التیام خود را پس از جدائی های

طبیعی و احیاناً جدائی های مصنوعی و تحمیلی، بار دیگر برای خودش تأمین کند.

حج برای امت اسلامی يك فرصت است. در این خیل عظیمی که در حج هر سال شرکت می کنند، شما يك مقطع ده ساله را در نظر بگیرید، ببینید در این ده سال چند میلیون انسان از آفریقا، از آسیا، از اروپا، از همه ی مناطق عالم - زن، مرد، باسواد، کم سواد، دارای سلائی مختلف - شرکت می کنند. اگر ندای اتحاد اسلامی، «و لاتفرقوا» (3) ی اسلامی بر این مجموعه حاکم باشد، شما ببینید چه اتفاق عظیمی می افتد. دیگر همه ی این مایه های اختلاف کمرنگ می شود. یکی سنی است، یکی شیعه است؛ در بین شیعه فرق مختلف، در بین سنی فرق مختلف؛ فقه های مختلف، مذهب های مختلف، عادت های مختلف است که به طور طبیعی به جدائی می انجامد. همه ی این ها را این دست مهربان حج جمع می کند، به هم نزدیک می کند، درهم فشرده می کند.

حالا اینجا من حاشیه ای بزنم. چقدر جفاست که کسی از این وسیله ی وحدت، ابزاری درست کند برای اختلاف و شکاف. این، خطاب به همه است. این فقط خطاب به آن فرد تکفیری سلفی متعصب که در مدینه بایستد و مقدسات شما را دشنام بدهد، نیست؛ خطاب به همه است. مسئولین حج - مسئولین کاروان ها، روحانیون حج - مراقب باشند که از این وسیله ی وحدت، ابزاری برای تفرقه درست نکنند و دل ها را از یکدیگر پر از کینه و درد نکنند. من چیزهائی را که می تواند وسیله ی جدائی شود، نمی شمرم؛ خودتان فکر کنید، ببینید چه چیزی است که دل شیعه را نسبت به برادر مسلمان غیر شیعه ی خود پر از کینه میکند؛ دل سنی را نسبت به برادر مسلمان شیعه ی خود پر از بغض می کند؛ ببینید اینها چی است، این ها را بیرون بکشید، بیندازید کنار و حج را که وسیله ی التیام، وسیله ی وحدت، وسیله ی یکسان سازی دل ها و نیت ها و عزم ها در دنیای اسلام است، بعکس، وسیله ی جدا کردن، وسیله ی بغض ایجاد کردن نباید قرار داد. شناختن این مسئله و مصادیق این مسئله خیلی هوشیاری و خیلی دقت می طلبد. این ها شوخی نیست.

فرصت سوم، فرصت برای جمهوری اسلامی است. جمهوری اسلامی مظلوم است. من به شما عرض بکنم - من سالهاست این را گفته ام - جمهوری اسلامی نظامی است که تمام ارکان اقتدار معنوی در او جمع است؛ مقتدر است، اما مقتدر مظلوم. این ها با هم منافات ندارد. مظلوم است به خاطر چی؟ به دلائل مختلف؛ یکی اش این است که دشمنان جمهوری اسلامی برای اینکه فکر و آرمان جمهوری اسلامی در بین جامعه ی عظیم مسلمان ها گسترش پیدا نکند، انواع و اقسام دروغ ها را به جمهوری اسلامی بسته اند؛ از دروغ های اعتقادی و فکری بگیرید تا دروغ های فرقه ای و سیاسی و اجرائی. این کار را می کنند، آن کار را می کنند، اینجور میگویند، آنجور میگویند، اینجور فکر میکنند، آنجور عمل میکنند. سی سال است که دارند علیه ما دروغ میبافند. شما که کارگزار حج اید، شما که دلتان لبالب از اعتقاد و ایمان به نظام جمهوری اسلامی است، در حج در کنار این برادر مسلمانی که در معرض این تبلیغات قرار گرفته است، تکلیف اولتان چیست؟ تبیین. معارف اسلامی و معارف نظام اسلامی را تبیین کنید. جمهوری اسلامی، جمهوری «اسلامی» است. ما اکثریت مردم ایران شیعه هستیم، اما نظام ما نظامی است که شامل شیعه و سنی می شود. دلیلش هم این است که هم در انقلاب، هم بعد از پیروزی انقلاب، هم در جنگ تحمیلی، هم برادران سنی ما در داخل، هم يك کثرت عظیمی از مسلمانان عالم که سنی هستند، از ما حمایت کردند، از ما دفاع کردند، برای خاطر جمهوری اسلامی ایستادند و عده ای کشته شدند. جمهوری اسلامی این است.

در کشورهای اسلامی، چه در آفریقا، چه در آسیا، چه در همه ی مناطق دنیا، حتی در قلب آن کشوری که بیشترین دشمنی را با ما کرده است - یعنی ایالات متحده ی آمریکا - مسلمانانی هستند که شیعه نیستند، اما دلشان لبریز از محبت جمهوری اسلامی و محبت امام و محبت این ملت بزرگ باعزم و اراده است؛ چون جمهوری، جمهوری اسلامی بود. اینها این را تحریف میکنند؛ تبدیل میکنند به دروغ مارك دشمنی با فرق اسلامی را به سینه ی

جمهوری اسلامی بزنند. بروید اینها را تبیین کنید. برادران مسلمان ما، خواهران مسلمان ما در سراسر دنیا بدانند که اینجا مال آنهاست؛ بدانند اینجا همان کاری انجام گرفته است که دل هر مسلمانی در آرزوی انجام گرفتن آن هست. کدام مسلمان است که در دنیا نخواهد که قرآن حاکمیت پیدا کند. اینجا قرآن حاکمیت پیدا کرده؛ اینجا شریعت حاکمیت پیدا کرده.

امروز در دنیای اسلام کیست که از تسلط و نفوذ بیگانگان و کفار در کشورهای اسلامی دلش خون نباشد؟ دلپایشان خون است و نمی‌توانند حرف بزنند؛ به آنها اجازه نمی‌دهند حرف بزنند. جمهوری اسلامی همان منبر بزرگ و عظیم و جهانی و آزادی است که همان حرف در دل آن‌ها و فریاد شکسته‌ی در گلویشان را در اینجا با صدای رسا بلند می‌کند.

مستکبرین هم به همین جهت با او مخالفند. دشمنی آمریکا با ما به خاطر همین است. ما حرف دل ملت‌های مسلمان را داریم می‌زنیم. ملت‌های مسلمان که همین چند تا حکومت فاسد نیستند. ملت‌های مسلمان از نفوذ آمریکا، از دخالت آمریکا، از تکبر آمریکا، از تکبر استکبار - اعم از آمریکا و غیر آمریکا - دلپایشان پر است؛ دلپایشان خون است؛ منتها دستشان نمی‌رسد. این حرف‌ها در اینجا در همه‌ی سطوح حکومت از بالا تا پایین، با صراحت دارد بیان می‌شود. اینها حقائق خیلی شیوا و زیبایی از جمهوری اسلامی است؛ اینها را بگوئید تا این‌ها را دنیای اسلام و ملت‌های اسلام بفهمند؛ بدانند. البته این تبیین فقط مخصوص یک عده از خواص، مثلاً دانشجویها که در کشورهای اسلامی و در دانشگاه‌ها به خاطر ارتباطات گوناگون عمومی بین المللی به این چیزها دست پیدا میکنند، نباشد؛ بلکه آحاد مردم بدانند؛ بفهمند. اینها فرصتهای تبیین برای نظام جمهوری اسلامی است.

البته بنده عقیده ندارم که ما باید بیرونمان را درست کنیم، درونمان هرچه بود، بود؛ نه. من یجد اعتقاد دارم که اولین وظیفه و دستور ما این است که خودمان را اصلاح کنیم؛ چه داخل قلب خودمان و درون خودمان را، چه داخل کشور خودمان را.

داخل کشور خودمان را هم باید خودمان اصلاح کنیم. ملت ما ملت مؤمن و باعزم و اراده‌ای است، ملت آماده‌ای است، ملت صادقی است؛ اما در گوشه و کنار افرادی، جریان‌هایی، مجموعه‌هایی به اسم‌های مختلف نخبگان سیاسی و غیر این‌ها، فضای جامعه را مشوش می‌کنند، فضای جامعه را از صفا و صداقت تهی می‌کنند، مردم را دچار اغتشاش ذهنی، دچار تردید می‌کنند.

این ملت همان ملتی است که این انقلاب عظیم را به پیروزی رسانده، این نظام مستحکم و با عظمت را شالوده ریزی کرده و سی سال با قدرت، او را حفظ کرده. این آنچنان ملتی است، این آنچنان ایمانی است، این آنچنان عزم راسخی است. ۱

این دستاوردها که مفت به دست نمی‌آید. تا ملتی فداکار نباشد، تا ملتی با اراده و مصمم نباشد، که این چیزها به دست نمی‌آید. ما بیائیم به خاطر دشمنی با زید و عمرو و این دولت و آن دولت و مسئولین اجرائی یا مسئولین کذا و کذا، اصل نظام را زیر سؤال ببریم؛ سیاه نمائی کنیم! کاری که متأسفانه بعضی از نخبگان سیاسی میکنند.

فضای تبلیغاتی کشور، فضای مطبوعاتی کشور، فضای تبلیغات سیاسی کشور به هیچ وجه فضای خرسندکننده‌ای نیست. ما بایستی از اسلام برای عمل خودمان، برای رفتارهای خودمان، برای موضعگیری‌های خودمان درس بگیریم و بدانیم بقای نظام اسلامی، برکات الهی، تفضلات و رحمت الهی تا وقتی است که ما پایبند و مقید باشیم. خدا که

با ما قوم و خویشی ندارد. بارها من عرض کرده ام بنی اسرائیل همان کسانی هستند که خدای متعال در قرآن مکرر میفرماید: «اذکروا نعمتی التي انعمت علیکم و ائی فضلتکم علی العالمین». (4) خدا بنی اسرائیل را بر عالمین تفضیل داد ؛ اما همین بنی اسرائیل به خاطر اینکه لوس شدند، قدر نعمت خدا را ندانستند و کفران کردند، «کونوا قردة خاسئين»، (5) «ضربت عليهم الذلة والمسكنة» ؛ (6) تبدیل شدند به این.

وقتی رحمت الهی برای ما پیش خواهد آمد که مواظب و مراقب خودمان باشیم ؛ مراقب حرف زدندان، مراقب اقدام کردنمان، مراقب تبلیغاتمان. این فضای بی بند و باری در حرف زدن، در اظهارات علیه دولت، علیه کی به خاطر اغراض، اینها چیزهایی نیست که خدای متعال از اینها به آسانی بگذرد. آن وقت کسانی خطا میکنند، خدای متعال «و اتقوا فتنة لا تصيبن الذين ظلموا منكم خاصة» ؛ (7) بله اینجوری است. بعضی از ظلمها، بعضی از کارها هست که نتیجه و اثر آن دامن همه، نه فقط دامن آن ظالم را میگیرد ؛ بر اثر رفتار يك عده ای که در گفتار خودشان، در عمل خودشان، در قضاوت خودشان ظلم میکنند. باید مراقب این چیزها بود.

حج برای ما باید درس باشد ؛ هم برای حاجی که به حج میرود، هم برای ما که نگاه میکنیم و دعا میکنیم و آرزو میکنیم که حج مقبول و کاملی ان شاءالله انجام بدهند. خداوند ان شاءالله همه ی ما را توفیق بدهد که بتوانیم از درسهای حج حداکثر استفاده را بکنیم.

والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته

(1) بقره: 184

(2) حج: 28

(3) آل عمران: 103

(4) بقره: 47

(5) بقره: 65

(6) بقره: 61

(7) انفال: 25